

مبارز همیشه پیروز ، بابک ..

زهره وفایی



عباسیان در 132 هجری با بر اندازی امویان بر مسند خلافت ممالک اسلامی و مسلمانان جهان تکیه زدند . اولین خدمت عباسیان به خیل مردمانی که از آمدنشان اظهار شادمانی می نمودند ، کشتن ابو مسلم خراسانی و بر انداختن برمکیان بود البته همگی به حيله و خدعه ! سی سال بعد از این تاریخ یعنی در سال 162 هجری قیام های ضد بغداد در قالب قیام خرمیان در مناطق متعددی از ممالک تحت سلطه خلفای عباسی شروع گردید . خرمیان که کلا به ضدیت بر حکومت اعراب بر خاسته بودند ، عمدتاً ترکیبی از جوانان و کشاورزان و افراد تهی دست بی شمار جامعه بودند که در سایه زراندوزی و عشرت گذاری خلفای عباسی و امرای دست نشانده آنها هر روز بر تعداد چنین ناراضیانی افزوده میگردید .

اولین پیروزی بابک بر خلفای ظلم و جور زمانی بود که وی علناً ندای مخالفت را سر داد . هر چند کسانی چون افشین و مازیار در خفا با بابک پیمان اتحاد و هم رایي بسته بودند اما هیچگاه علناً مخالفت خود را بروز ندادند و این دورویی و حيله گری آن دو را از افتخار اولین پیروزی بابک بی بهره گذارد . قاطعیت بابک در خصوص راهی که بر گزیده بود وی را قهرمان هزاران آزادی طلب زمان خود کرد . و چنین شد که بابک توانست پرچمی را که در آذربایجان بر افراشته بود به ولایاتی چون همدان و دیلمان و اصفهان و ... حتی روم شرقی نیز ببرد و هزاران کس را در این راه هم رای خود سازد .

علیرغم قتل ها و کشتار های دسته جمعی خرمیان که تاریخ نگاران عرب نیز آنرا تایید می نمایند ، باز هم بابک فریاد آزادی بر اساس روابط انسانی را سر میداد و هیچگاه نفر اولی نبود که برای جنگ دست به شمشیر ببرد . بدین ترتیب بابک مدت بیست و سه سال بدون تغییر موضعی که در روز اول مبارزه بر گزیده بود بی وقفه و شب و روز به مبارزه خود ادامه داد . پایداری وی در این مدت طولانی و تحمل شدید ترین لطمات روحی و جانی و مالی در واقع دومین پیروزی بدون تردید بابک به حساب می آید . پایداری که وی در این مدت از خود نشان داد چنان بی مثال و استثنایی است که تمامی تاریخ نگاران بدان معترفند . و اگر نبود تنگ نظری بسیاری از دشمنان بابک ، به یقین وی را تنها نمونه پایداری در مبارزات تاریخی می نامیدند . بابک پای در راهی نهاده بود که در پایان راه پیروزی بدون تردید در انتظار وی بود . و افشین همپیمان وی چنان در دالانهای تو در تویی ذلالت و دلبستگی به مقام و خیانت به دوستان و حتی اقوام سرگردان بود که

راه رهایی را هم گم کرده بود . و اگر می بینیم که خلیفه معتصم نهایتاً افشین را برای اجرای خدعه های درباری بر علیه بابک بر می گزیند ، از روی همین سرگردانی و بی آرماني افشین است . چراکه افشین همه چیز خود را باخته است و توان تشخیص راه درست را در دالانهای گمراهی گم کرده است . رویارویی با افشین در نبرد نهایی برای بابک حکم يك پیروزي دیگر را دارد . این آخرین ترکش خلیفه است و بابک از این آخرین ترکش هم برای اثبات حقانیت و ادعای خود سود می جوید . (هرکس که برای يك بار هم که شده بر سر سفره خلیفه بنشیند خائن و متظاهر است) . بابک می خواهد در نبرد با افشین به هزاران خلق به ستوه آمده از ستم خلفا نشان بدهد که (از ماست که بر ماست !) . می خواهد تلخی جنگ داخلی و رویارویی هم بندهای در بند را به مردم نشان بدهد . می خواهد به مردم بگوید که در این جنگ پیروزي از آن نفر سومی است که در میدان حضور ندارد !

بابک در زمان دستگیری نیز پیروز است . چراکه با خدعه گرفتار میشود نه با جنگ مردانه و عادلانه . سهل بن سنباط یکی از خائنان به نام تاریخ ، بابک را در مغاره ای تاریک به دست افشین می سپارد . گویی از نگرستن بر چهره وی نیز وحشت دارد . اما بابک همچنان پیروز است . التماس نمی کند . وعده و وعید نمی دهد . شرط نمی پذیرد . همانند بیست و سه سال پیش سر افراز و با اراده است . هنوز هم در خود توان مبارزه را می بیند . دست و پایش را می بندند تا ظلم خلیفه جلوه عینی یابد . خلیفه به نمایش قدرت می اندیشد و بابک با تمام توان به شکستن این قدرت نمایشی جهد دارد . بابک در کاخ خلیفه هم پیروز است . امان نامه نمی خواهد . سمت و منصب نمی پذیرد . صدایش نمی لرزد . تمامی نفرت خویش را در چشمانش و زبانش نثار خلیفه و دستگاه ظلم و جور او می سازد . بابک به پیروزي خود یقین دارد . چرا که وی اولین کسی است که قیام بالسيف (قیام مسلحانه) را علیه خلفای ظلم پیشه عباسی بدعت نهاده است و از پایان کار سخت دل قوی است . میدانند که هم اکنون میلیونها انسان در اطراف و اکناف بلاد اسلامی در تدبیر بر انداختن خلافت مستبدان هستند . این برای بابک به معنای پیروزي است چراکه در شروع کار نیز در همین اندیشه بود . وی نه طالب خلافت بود نه سرداری و نه امیری . بابک در آرزوی بیداری انسانها یی بود که شب و روز در برابر چشمانش جان می کردند و خفت ها می کشیدند . بابک میخواست همین مردم به پوشالی بودن دستگاه خلافت پی ببرند و حالا که میلیونها هم رای و همفکر دارد پیروز است ، پیروز واقعی ! او مرگ را نچشید.....

Zohre_az@yahoo.com

<http://www.kitablar.com>

<http://www.kitablar.org/>